

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۴۱۴

آیه ۵۴ - ۵۸

آیه و ترجمه

۵۴ فالیوم لا تظلم نفس شیا و لا تجزون الا ما کنتم تعملون

۵۵ ان اصحاب الجنة الیوم فی شغل فکھون

۵۶ هم و ازوجهم فی ظلل الاریاک متکون

۵۷ لهم فیها فکھة و لهم ما یدعون

۵۸ سلم قولاً من رب رحیم

ترجمه :

۵۴ - امروز به هیچکس ستم نمیشود و جز آنچه را عمل میکردید جزاداده نمیشوید.

۵۵ - بهشتیان امروز به نعمتهای خدا مشغول و مسرورند (و از هراندیشه ناراحت کننده برکنار).

۵۶ - آنها و همسرانشان در سایه‌های (قصرها و درختان بهشتی) برتختها تکیه کرده‌اند!

۵۷ - برای آنها در بهشت میوه بسیار لذت بخشی است و هر چه بخواهند در اختیار آنها خواهد بود.

۵۸ - برای آنها سلام (و درود الهی) است، این سخنی است از ناحیه پروردگار

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۴۱۵

تفسیر :

بهشتیان غرق در مواهب مادی و معنوی

در اینجا بحث پیرامون چگونگی حساب در محشر را سربسته گذارده و از آن میگذرد، و به تشریح سرانجام کار مؤمنان صالح و کافران طالح پرداخته، چنین می‌گوید: امروز به هیچکس ستم نمیشود» (فالیوم لا تظلم نفس شیئا).

نه از پاداش کسی کاسته میشود، و نه کیفر کسی افزون میگردد، و حتی به قدر

یک سر سوزن کم و زیاد و بیدادگری و ظلم و ستم وجود ندارد. سپس به بیانی میپردازد که در حقیقت دلیل روشن و زندهای برای عدم وجود ظلم در آن دادگاه بزرگ است میفرماید: «شما جز آنچه را عمل میکردید جزا داده نمیشوید (و لا تجزون الا ما کنتم تعملون). ظاهر این تعبیر بدون آنکه چیزی در تقدیر گرفته شود این است که جزای همه شما همان اعمال خودتان است، چه عدالتی از این بهتر و برتر؟! به عبارت دیگر: اعمالی که از نیک و بد در این عالم انجام میدهید در آنجا همراه شما خواهد بود، همان اعمال تجسم مییابد، و در تمام مواضع محشر و بعد از پایان حساب، همدم و همنشین شماست، آیامحصول اعمال کسی را به او تحویل دادن بر خلاف عدالت است؟ و آیانفس اعمال را تجسم بخشیدن و قرین او ساختن ظلم است؟ و از اینجا روشن میشود که اساسا ظلم در آن صحنه مفهوم ندارد و اگر در اینجا در میان انسانها گاهی عدالت است و گاهی ظلم به خاطر آنست که توانائی این را ندارند که اعمال هر کس را به خود او تحویل دهند. جمعی از مفسران چنین تصور کردهاند که جمله اخیر مخصوص بدکاران و کفار است که به قدر اعمالشان کیفر می بینند، و شامل مؤمنان نمیشود، چرا که خداوند بیش از اعمالشان به آنها پاداش میدهد.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۴۱۶

ولی با توجه به یک نکته این اشتباه بر طرف میگردد، و آن اینکه: در اینجا سخن از عدالت در پاداش و کیفر است و گرفتن جزای استحقاقی، این منافات ندارد که خداوند برای مؤمنان از فضل و رحمتش هزاران هزار بیفزاید که آن مساله «تفضل» است و این مساله «استحقاق» است. سپس به گوشه‌های از پاداشهای مؤمنان پرداخته، و قبل از هر چیز روی مساله آرامش خاطر انگشت میگذارد و می گوید: «بهشتیان در آن روز چنان به نعمتهای خدا مشغولند که از هر اندیشه ناراحت کننده بر کنار میباشند» (ان اصحاب الجنة اليوم فی شغل). «و در نهایت سرور و شادی به سر میبرند» (فاکھون). «شغل» (بر وزن شتر) و «شغل» (بر وزن قفل) هر دو به معنی حوادث و حالاتی است که برای انسان روی میدهد و او را به خود مشغول میدارد خواه

مسرتبخش باشد و یا غم‌انگیز.

اما از آنجا که بلافاصله پشت سر آن، کلمه «فاکهون» آورده شده و این واژه جمع «فاکه» به معنی مسرور و خوشحال و خندان است، میتواند اشاره به اموری باشد که از فرط شادی انسان را چنان به خودمشغول میدارد که از امور نگرانی‌ها به کلی غافل میسازد، به طوری غرق در سرور و نشاط خواهد شد که غم و اندوهی بر او چیره نخواهد گشت، و حتی هول و وحشتی را که به هنگام قیام قیامت و حضور در دادگاه عدل الهی به او دست داده به فراموشی میسپارد، که اگر به راستی فراموش نشود همواره سایه نگرانی و غم بر دل او سنگینی خواهد کرد، بنا بر این یکی از آثار این اشتغال ذهن فراموش کردن احوال محسرات است.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۴۱۷

به هر حال بعد از نعمت آرامش خاطر که خمیر مایه همه نعمتها، و شرط استفاده از همه مواهب است، به شرح نعمتهای دیگر پرداخته، چنین می‌گوید: آنها و همسرانشان در سایه‌های لذت بخش، بر تختها، در خلوتگاهها تکیه کرده‌اند (هم و ازواجهم فی ظلال علی الاراکم متکئون). «ازواج» به معنی همسران بهشتی، و یا همسران با ایمانی است که در این دنیا داشتند و اینکه بعضی احتمال داده‌اند به معنی همطرازان بوده باشد (مانند آیه ۲۲ سوره صافات احشروا الذین ظلموا و ازواجهم - ظالمان و همطرازانشان را محشور کنید) در اینجا بسیار بعید به نظر میرسد، به خصوص اینکه اراک جمع اریکه طبق گفته جمع کثیری از مفسران و ارباب لغت به معنی تختهایی است که در حلقه‌گاه می‌باشد.

تعبیر به «ظلال» (سایه‌ها) اشاره به سایه‌های درختان بهشتی است که تختهای بهشتیان در لابلای آن قرار گرفته، و یا سایه قصرهای بهشتی است و همه اینها نشان می‌دهد که در آنجا نیز آفتابی وجود دارد ولی نه آفتابی آزار دهنده، آری آنها در سایه مطبوع درختان بهشتی نشاط و سرور دیگری دارند. علاوه بر این «برای آنها میوه بسیار لذت بخشی است، و هر چه بخواهند در

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۴۱۸

اختیار آنها خواهد بود» (لهم فیها فاکهة و لهم ما یدعون).

از آیات دیگر قرآن به خوبی استفاده میشود که غذای بهشتیان تنها میوه نیست، ولی تعبیر آیه فوق نشان میدهد که میوه آن هم میوه‌های مخصوصی که با میوه‌های این جهان بسیار متفاوت است برترین غذای بهشتی است، و حتی در این جهان نیز میوه به گواهی غذاشناسان بهترین و مناسبترین غذا برای انسان است.

«یدعون» از ماده «دعایه» به معنی طلب است، یعنی هر چه طلب کنند و تمنا نمایند برای آنها حاصل است، و آرزویی در دل ندارند که انجام نشدنی باشد.

مرحوم طبرسی در «مجمع البیان» می‌گوید: عرب این تعبیر را در مورد «تمنی» به کار می‌برد، می‌گوید: ادع علی ما شئت یعنی: «هر چه میخواهی از من بخواه و تمنا کن».

و به این ترتیب آنچه امروز در فکر انسان بگنجد و آنچه از فکر او خطور نکند از انواع مواهب و نعمتها در آنجا آماده و مهیاست، و پذیرائی خداوند از میهمانان خود در بالاترین سطح ممکن انجام میشود.

اما مهمتر از همه همان مواهب معنوی است که در آخرین آیه مورد بحث به آن اشاره کرده، میفرماید: برای آنها سلام و تهنیت الهی است، این سخنی است از ناحیه پروردگار رحیم و مهربان آنها (سلام قولاً من رب رحیم).

این ندای روحافزا و نشاط بخش و مملو از مهر و محبت او چنان روح انسان را در خود غرق میکند، و به او لذت و شادی و معنویت میبخشد، که با هیچ نعمتی برابر نیست، آری شنیدن ندای محبوب، ندائی آمیخته با محبت، و آکنده

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۴۱۹

از لطف، سر تا پای بهشتیان را غرق سرور میکند، که یک لحظه آن بر تمام دنیا و آنچه در آن است برتری دارد!

در روایتی از پیغمبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است:

«در همان حال که بهشتیان غرق در نعمتهای بهشتی هستند نوری بر بالای سر آنها آشکار میشود، نور لطف خداست که بر آنها پرتوافکنده، ندائی برمیخیزد که سلام بر شما ای بهشتیان و این همان است که در قرآن آمده: سلام قولاً من رب رحیم، اینجاست که نظر لطف خداوند چنان آنها را مجذوب میکند که از همه چیز جز او غافل میشوند، و همه نعمتهای بهشتی را در آن حال به دست

فراموشی میسپارند، و اینجاست که فرشتگان از هر دری بر آنها وارد میشوند و می‌گویند درود بر شما.

آری جذبه شهود محبوب، و دیدار لطف یار، آنقدر لذت بخش و شوق‌انگیز است که یک لحظه از آن با هیچ نعمتی حتی با تمام جهان برابر نیست، و عاشقان دیدار او آنچنانند که اگر این افاضه معنوی از آنها قطع شود قالب تهی میکنند، چنانکه در حدیثی از امیر مؤمنان (علیه‌السلام) آمده است که فرمود: لو حجبته عنه ساعة لمت! اگر یک ساعت از دیدار او محجوب بمانم جان میدهم!! جالب اینکه ظاهر آیه این است که این سلام پروردگار که نثار مؤمنان بهشتی میشود سلامی است مستقیم و بی واسطه، سلامی است از رب و پروردگار آنها سلامی که از رحمت خاصه او یعنی مقام رحیمیتش سرچشمه میگیرد و تمام الطاف و کرامات در آن جمع است، وه چه نعمتی؟!

---

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۴۲۰

نکته:

### انواع سلامهائی که نثار بهشتیان میشود

اصولا بهشت «دار السلام» است همانگونه که در آیه ۲۵ سوره یونس میخوانیم: و الله يدعوا الى دار السلام: «خداوند مردم را دعوت به دار السلام و سرزمین سلامت و آرامش میکند و بهشتیان که ساکنان این سرزمینند گاه با سلام فرشتگان روبرو میشوند که به هنگام ورود در بهشت از هر دری بر آنها وارد میشوند و می‌گویند: سلام بر شما به خاطر شکیبائیهای که داشتید و چه پایان خوبی است این سرائی که نصیبتان شده «و الملائكة يدخلون عليهم من كل باب سلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدار (رعد - ۲۴). و گاه ساکنان اعراف آنها را صدا میزنند و می‌گویند: سلام بر شما (و نادوا اصحاب الجنة ان سلام عليكم) (اعراف - ۴۶).

گاه پس از ورود در بهشت با سلام و تحیت فرشتگان روبرو میشوند و گاه به هنگام قبض روح این سلام از ناحیه فرشتگان مرگ به آنها نثار میشود و می‌گویند: سلام بر شما وارد بهشت شوید به خاطر اعمالی که انجام میدادید (الذين تتوفيه الملائكة طيبين يقولون سلام عليكم ادخلوا الجنة بما كنتم تعملون) (نحل - ۳۲).

و گاه خودشان به یکدیگر سلام و درود میفرستند، و اصولا تحیت آنها در آنجا

همان سلام است (تحیتهم فیها سلام) (ابراهیم - ۲۳).  
و بالاخره برتر و بالاتر از همه اینها سلام پروردگار است (سلام قولا من رب  
رحیم).  
خلاصه اینکه در آنجا نه سخن لغوی شنیده میشود و نه کلام بیهودهای، تنها  
سلام است سلام لا یسمعون فیها لغوا و لا تأثیما الا قیلا سلاما سلاما

---

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۴۲۱

(واقعہ - ۲۶).  
اما نه سلامی که تنها در لفظ باشد بلکه سلامی که اثر آرام بخش و سلامت  
آفرین آن در اعماق روح و جان انسان نفوذ میکند و همه را غرق در آرامش و  
سلامت میسازد.

---

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۴۲۲

آیه ۵۹ - ۶۲

آیه و ترجمه

۵۹ و امتزوا الیوم ایها المجرمون  
۶۰ الم اعهد الیکم یبنی ءادم ان لا تعبدوا الشیطن انه لکم عدو مبین  
۶۱ و ان اعبدوننی هذا صراط مستقیم  
۶۲ و لقد اضل منکم جبلا کثیرا فلم تکنوا تعقلون  
ترجمه :

۵۹ - جدا شوید امروز ای گنهکاران!  
۶۰ - آیا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم! که شیطان را پرستش نکنید که او  
برای شما دشمن آشکاری است؟  
۶۱ - و اینکه مرا پرستید که راه مستقیم این است؟  
۶۲ - او افراد زیادی از شما را گمراه کرد، آیا اندیشه نکردید؟

تفسیر :

چرا پرستش شیطان میکنید؟!

بخشی از سرگذشت شوقانگیز و پرافتخار بهشتیان در آیات قبل گذشت، و  
در آیات مورد بحث به قسمتی از سرنوشت دوزخیان و بندگان شیطان

---

میکند.

نخست اینکه در آن روز با خطابی تحقیر آمیز مخاطب میشوند و به آنها گفته میشود: جدا شوید امروز ای گنهکاران!! (و امتازوا اليوم ایها المجرمون). شما بودید که در دنیا خود را در صفوف مؤمنان جا زده بودید و گاه به رنگ آنها در می آمدید، و از حیثیت و اعتبارشان استفاده میکردید، امروز صفوف خود را از آنها جدا سازید، و در چهره اصلی خود ظاهر شوید! این در حقیقت تحقق همان وعده الهی است که در آیه ۲۸ سوره ص می گوید: «ام نجعل الذین آمنوا و عملوا الصالحات کالمفسدین فی الارض ام نجعل المتقین کالفجار»:

آیا کسانی را که ایمان آورده، و عمل صالح انجام داده اند، همچون مفسدان در زمین قرار دهیم؟ یا پرهیزگاران را همطراز بدکاران؟! به هر حال ظاهر آیه مورد بحث همان جداسازی صفوف مجرمان از مؤمنان است، هر چند مفسران احتمالات متعدد دیگری نیز داده اند، از جمله: جدا شدن صفوف مجرمان از یکدیگر و هر گروهی از آنان در یک رده قرار گرفتن.

یا جدائی آنها از شفیعان و معبودانشان.

و یا جدائی فرد فرد آنها از یکدیگر، به گونهای که علاوه بر درد و رنج عظیم دوزخ، درد و رنج جدائی و فراق از هر کس و هر چیز بر آنها سایه سنگین و شوم افکند.

اما شمول خطاب نسبت به همه آنان، و محتوای جمله و امتازوا معنی اول را که گفتیم تقویت میکند.

آیه بعد به ملامتها و سرزنشهای پر معنی خداوند نسبت به مجرمان در روز

قیامت اشاره کرده، چنین می گوید: آیا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم که شیطان را پرستش و اطاعت مکنید که او دشمن آشکار شماست؟ (الم اعهد الیکم یا بنی آدم الا تعبدوا الشیطان انه لکم عدو مبین).

این عهد و پیمان الهی از طرق مختلف از انسان گرفته شده، و بارها این معنی را به او گوشزد کرده است:

نخست آن روز که فرزندان آدم در زمین نشو و نما کردند این خطاب به آنها شد: «یا بنی آدم لا یفتنکم الشیطان کما اخرج ابویکم من الجنة یزع عنهما لباسهما لیریهما سواتهما انه یریکم هو و قبیلہ من حیث لا ترونهم انا جعلنا الشیاطین اولیاء للذین لا یؤمنون:

«ای فرزندان آدم! شیطان شما را نفریبد همانگونه که پدرتان را از بهشت بیرون کرد، و لباسشان را از تنشان خارج ساخت تا عورتشان را برای آنها آشکار کند! چه اینکه او و پیروانش شما را میبینند و شما آنها را نمیبینید، (بدانید) ما شیاطین را اولیای کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند (اعراف - ۲۷). سپس همین اخطار به طور مکرر بر زبان رسولان الهی جاری شد، چنانکه در آیه ۶۲ سوره زخرف میخوانیم و لا یصدنکم الشیطان انه لکم عدو مبین: شیطان شما را از راه حق باز ندارد که او دشمن آشکار شماست. و در آیه ۱۶۸ - بقره میخوانیم: و لا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین: از گامهای شیطان پیروی نکنید که او برای شما دشمن آشکاری است! از سوی دیگر این پیمان در عالم تکوین به زبان اعطای عقل به انسان نیز گرفته شده است، چرا که دلائل عقلی به روشنی گواهی میدهد انسان نباید فرمان کسی را اطاعت کند که از روز نخست کمر به دشمنی او بسته او را از بهشت بیرون کرده و سوگند به اغوای فرزندان او خورده است.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۴۲۵

از سوی سوم با سرشت و فطرت الهی همه انسانها بر توحید، و انحصار اطاعت برای ذات پاک پروردگار، نیز این پیمان از انسان گرفته شده است، و به این ترتیب نه با یک زبان که با چندین زبان این توصیه الهی تحقق یافته و این عهد و پیمان سرنوشتساز امضا شده است.

این نکته نیز قابل توجه است که عبادت در جمله «لا تعبدوا الشیطان» به معنی اطاعت است، زیرا عبادت همیشه به معنی پرستش و رکوع و سجود نمی‌آید، بلکه یکی از اشکال آن همان اطاعت کردن است، چنانکه در آیه ۴۷ سوره مؤمنین میخوانیم که فرعون و اطرافیان او بعد از مبعوث شدن موسی (علیه السلام) و هارون (علیه السلام) گفتند: (ا نو من لبشرین مثلنا و قومهما لنا عابدون).

«آیا ما به دو انسانی که همانند ما هستند ایمان بیاوریم، در حالی که قوم آنها



عبادت و اطاعت ما می کردند؟!)

و در آیه ۳۱ سوره توبه میخوانیم: خداوند در باره یهود و نصاری میفرماید: «اتخذوا احبارهم و رهبانهم اربابا من دون الله و المسيح بن مريم و ما امروا الا ليعبدوا الها واحدا»: آنها دانشمندان و راهبان خود را معبودانی در برابر خدا قرار دادند، همچنین مسیح فرزند مریم را، درحالی که جز به عبادت خداوند یگانه که هیچ معبودی جز او نیست دستور نداشتند». جالب اینکه در روایتی از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) که در ذیل این آیه آمده چنین میخوانیم: اما و الله ما دعوهم الى عبادة انفسهم، و لو دعوهم ما اجابوهم و لكن احلوا لهم حراما و حرموا عليهم حلالا فعبدوهم من حيث لا يشعرون!؛ به خدا سوگند آنها (دانشمندان و راهبان) یهود و نصاری را به عبادت خویشان دعوت نکردند، و اگر دعوت میکردند هرگز یهود و نصاری دعوتشان را اجابت نمینمودند، ولی آنها حرامی را برای ایشان حلال و حلالی را حرام کردند (و آنها

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۴۲۶

پذیرا شدند) و به این ترتیب بدون توجه آنان را پرستش کردند. نظیر همین معنی با تفاوت مختصری در روایات دیگر نیز وارد شده است: از جمله در روایتی از امام صادق (علیهما السلام) میخوانیم: من اطاع رجلا فی معصية فقد عبده: کسی که انسانی را در معصیت پروردگار اطاعت کند او را پرستش کرده! و در حدیث دیگری از امام باقر (علیهما السلام) آمده است: من اصغى الى ناطق فقد عبده، فان كان الناطق يؤدى عن الله فقد عبد الله، و ان كان الناطق يؤدى عن الشيطان فقد عبد الشيطان: کسی که به سخنگویی گوش فرا دهد (و سخنش را بپذیرد) او را پرستش کرده! اگر ناطق حکم خدا را می گوید: پرستش خدا کرده، و اگر از سوی شیطان سخن می گوید پرستش شیطان کرده است! در آیه بعد برای تاکید بیشتر و بیان آنچه وظیفه فرزندان آدم است میفرماید: آيا من به شما عهد نکردم که مرا بپرستید و از من اطاعت کنید که راه مستقیم همین است (و ان اعبدونی هذا صراط مستقیم). از یکسو پیمان گرفته که اطاعت شیطان نکنند، چرا که او دشمنی و عداوت

خود را از روز نخست آشکار ساخته، کدام عاقل به فرمان دشمن دیرینه و آشکارش ترتیب اثر میدهد؟

و در مقابل پیمان گرفته که از او اطاعت کنند، و دلیلش را این قرار میدهد که صراط مستقیم همین است و این در حقیقت بهترین محرک انسانهاست، چرا که فی المثل هر کس در وسط بیابان خشک و سوزانی گرفتار شود و جان خود

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۴۲۷

و همسر و فرزند و اموالش را در خطر دزدان و گرگان ببینند، مهمترین چیزی که به آن میانداشد پیدا کردن راه مستقیم به سوی مقصد است، راهی که سریعتر و آسانتر او را به سر منزل نجات برساند. ضمناً از این تعبیر استفاده میشود که این جهان سرای اقامت نیست، چرا که راه را به کسی ارائه میدهند که از گذرگاهی عبور میکند و مقصدی درپیش دارد.

باز برای شناسائی هر چه بیشتر این دشمن قدیمی خطرناک میافزاید: «او افراد زیادی از شما را گمراه کرد، آیا اندیشه نکردید؟! (و لقد اضل منکم جبلاً کثیراً فلم تکنوا تعقلون).

آیا نمی بینید چه بدبختیهائی شیطان بر سر پیروان خود آورده؟ آیا تاریخ پیشینیان را مطالعه نکردید تا ببینید بندگان او به چه سرنوشت شوم و دردناکی گرفتار شدند؟ ویرانههای شهرهای بلا دیده آنها در برابر چشم شماست، و عاقبت غمانگیز آنها برای هر کس کمترین تعقل و اندیشههای داشته باشد روشن است.

پس چرا دشمنی را که امتحان عداوت خود را بارها و بارها داده است جدی نمیگیرید؟ باز با او طرح دوستی میریزید، و حتی او را رهبر و ولی و راهنمای خویش انتخاب می کنید.

«جبل» (به کسر ج و ب و تشدید لام) چنانکه راغب در مفردات گوید به معنی جماعت و گروه است که از نظر عظمت تشبیه به «جبل» (بر وزن عمل) به معنی کوه شده است، و تعبیر «کثیراً» برای تاکید بیشتر در مورد پیروان شیطان است که در هر جامعهای قشر عظیمی را تشکیل میدهند. بعضی عدد «جبل» را ده هزار نفر یا بیشتر نوشتهاند، و برای کمتر از آن

---

این تعبیر را مناسب ندانسته‌اند ولی بعضی این اعداد را لازم نمی‌دانند. به هر حال عقل سلیم ایجاب میکند که انسان از چنین دشمن خطرناکی که به هیچ انسانی رحم نمیکند و قربانیانش در هر گوشه و کناری بر خاک هلاکت افتاده‌اند سخت بر حذر باشد، و آنی به خود اجازه غفلت ندهد چنانکه امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) آن پیشوای آگاه و بیدار در یکی از خطبه‌هایش برای توجه به این حقیقت، مردم را مخاطب ساخته می‌گوید:

فاحذروا عباد الله! عدو الله، ان یعدیکم بدائم، و ان یتغزکم بندائه، و ان یجلب علیکم بخیله و رجله، فلعمری لقد فوق لکم سهم الوعید، و اغرق الیکم بالنزع الشدید، و رماکم من مکان قریب، فقال رب بما اغویتنی لازینن لهم فی الارض و لا غوینهم اجمعین:

«ای بندگان خدا! از این دشمن خدا بر حذر باشید، مبادا شما را به بیماری خویش (کبر و غرور) مبتلا سازد، و با ندای خود شما را به حرکت در آورد، و به وسیله لشکریان سواره و پیاده‌اش شما را جلب کند، به جان خودم سوگند او تیری خطرناک برای شکار کردن شما به چله کمان گذاشته، و آن را با قدرت و شدت تا سرحد توانائی کشیده، و از نزدیکترین مکان شما را هدف قرار داده!، هم او گفته است: پروردگار به سبب آنکه مرا اغوا کرده‌ای زرق و برق زندگی را در چشم آنها جلوه میدهم، و همه آنها را اغوا خواهم کرد (در حالی که خداوند سبب گمراهی نبود بلکه هوای نفسش او را گمراه ساخته). و راستی عجیب است که چنین دشمنی را به دوستی برگزینیم، و به گفته شاعر:

کجا بر سر آیم از این عار و ننگ

که با او به صلحیم و با حق به جنگ؟

